

زندگی بیرون از چهار دیواری

حمیده امینی فرد

خبرنگار

زن سرش را از شرم پایین می‌اندازد، همان وقت که مرد با صدای بلندش از پشت چند تکه پلاستیک بهم وصله شده، یادمان می‌اندازد اینجا «صاحب» دارد. آسمش را گذشته‌اند صاحبخانه «خانه‌های بلاتکلیف»... «رحیم» همان مرد چهارشانه بلندقد حواس جمعی است که تا می‌بیند سمت «راضیه» می‌رویم خودش را با دو می‌رساند به ما! چهره‌اش عبوس و گرفته است... «از زن من چی می‌خوای؟! زن که حالا از ترس به خودش پیچیده، نگاهش را از خشم مرد می‌دزد و با حالتی خمیده از لای درز پلاستیک‌ها داخل خانه می‌شود. خانه که نه همان چادر تو در توی عیبی که حکایت که بفتند.»

کدام از ساکنانش از همین «جا» آغاز می‌شود. اسم برج‌های سعادت آباد را که حتماً شهیداید، برج نه؟! گذرتان که لابد به میهمان‌های معروف میلیاردی‌اش افتاده است! حالا رد همان لاکچری‌ها را که بگیرید، چشمان‌تان را که ببینید، انتهای تمام آن زرق و برق‌ها به یکجا ختم می‌شود: «بن‌بست ارض!» اما در طول مسیر نه نشانه‌ای می‌بینید و نه حتی رد کوچک‌ی باورتان شود به «ته دنیا» رسیده‌اید... تا اینکه چشم‌تان هنوز از آن برج‌های زد و بند کرده و فلک کشیده سیراب نشده، نگاهتان به سمت چادرهایی می‌رود که در یکی از گران‌ترین مناطق تهران به قول اهالی بالا، «وصله ناجور» شده است. یکی از همان وصله‌های ناجور است. «سلیمه» است. نشانی خانه‌اش اولین چادرخ نمای سر خیابان است. چادری که همین چند ماه پیش حجله عروسی‌اش بود و حالا هم روتادور اتاق می‌پوشد و می‌گردد تا بلکه لابه‌لای همان اسباب و اثاثیه زهوار در رفته و درب و داغان یک جای خواب برای بچه هنوز نیامده‌اش پیدا کند. سلیمه را وقتی می‌بینم که دبه‌های چند لیتری آب را لای برف‌های یخ زده کنار چادر پایین می‌آورد. خودش همین جابه دنیا آمده، سی واندی سال پیش! خانه پدری‌اش را از کمی پایین‌تر با چند آجر قدیمی ساخته‌اند، اما زور آن قولنامه‌های دستی و عجز و لابه‌ها هم به سرپا نگه داشتن این چادرها نرسیده است. این را کربلایی محسن می‌گوید. پدر سلیمه وقتی فرش خشک شده جلوی چادر را روی کولش می‌اندازد تا دوباره زیر چادر پهن کند. برف و باران که می‌بارد کارش همین می‌شود. با یک‌دست فرش جمع می‌کند. و با دست دیگرش سبل گل بر می‌کند. همان سبد گل‌های

گزارش میدانی «ایران» از ساکنان حاشیه بزرگراه چمران که در چادر زندگی می‌کنند



نعم احمدی، ایران

هرحال تعدادی از اهالی شهرک به مرور زمان سند گرفته‌اند و مایل نیستند جمعیت جدیدی وارد شود. تقریباً کمتر از ۵۰ درصد خانه‌ها دارای سند است. پیشنهاد شهرداری این است آنهایی که در حریم رودخانه یا در حریم بزرگراه هستند در همان محدوده مسکن معوض دریافت کنند.
خب اگر این طرح مصوب شود در یک بازه ۲ تا ۳ ساله می‌توان مساله را حل کرد. ببینید این یک معضل ۵۰ ساله است که فکری برای آن نشده و چرا شهرداری نتوانسته در این مدت کاری انجام دهد؟ صالحی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «هم اکنون سه نسل در این نقطه زندگی می‌کنند. عنوان سکونتگاه غیر رسمی هم به آن تعلق نمی‌گیرد چون دو

مسجد دارد و بچه‌ها در مدارس سعادت آباد درس می‌خوانند. شهرداری سال ۹۴-۹۳ با جیب پر پول رفت؛ اما ساکنان مایل به جابه‌جایی شده و اکنون ماهیت جداگانه پیدا کرده است. اما طبق طرح تفصیلی کاربری فضای سبز دارد و همه ساخت و سازهایی که در آن شکل گرفته پروانه و مجوز ندارند. البته مجموع سکوتی که در کل رود دراز از جنوب شهرک آتی ساز تا بزرگراه شهید همت جریان دارد فقط ۱۰ درصد است که در لکه پاکرند شده است.»

او می‌گوید که در دهه‌های مختلف قبل از انقلاب، زمان جنگ و بعدها، تعدادی در این منطقه ساکن شده‌اند، اما از سال ۸۵-۸۴ به بعد به علت نظارت و کنترل سخت شهرداری، سرعت ساخت و سازهای غیر مجاز کاهش یافته است. به گفته صالحی، هم اکنون نزدیک به ۲ هزار و ۵۰۰ نفر در این لکه‌ها زندگی می‌کنند که از اقشار مختلف از کارمند گرفته تا طبقه کارگری و اداری هستند، البته طبقات ضعیف هم در آنها بسیار زیاد است. اما چادرها که برپا شده و حدود ۱۲-۱۰ عدد بیشتر هم نیست، طی ۸-۷ ماه گذشته شکل گرفته و ما تلاش کردیم که در این مدت تعدادشان زیاد نشود. در این منطقه اصلاً معتاد متجاهر نداریم و حدوداً ۱۵ خانوار که ایرانی و مهاجر خارج از تهران هستند، ساکن شده‌اند.»

ماجرا چیست؟ می‌گوید: «در گذشته برخی کشاورزان قدیمی زمین‌ها را خرد کرده و به صورت غیر مجاز فروخته‌اند و افرادی هم با مبالغ پایین این زمین‌ها را خریده‌اند. و حالا خودشان را محق می‌دانند. این شرایط اصلاً مورد تأیید ما نیست و حتی اهالی شهرک نپایش هم به این شکل زندگی را نمی‌پذیرند. به

اینجا می‌اندازند به جان ما! زن و بچه مردم را نمی‌بینند؟ اگر پول داشتیم می‌رفتیم یکجا اجاره می‌کردیم. مسئولان می‌روند و می‌آیند اما ما زیر این حرف‌ها لگدمال می‌شوم. فقط می‌خواهیم زودتر تکلیف ما را روشن کنند.»

نگار دستش را به سمت چادرهای همسایه دراز می‌کند و ادامه می‌دهد: «۵-۴ سال است زیر همین چادرها زندگی می‌کنند. مجبورند. اصلاً به این ساختمان‌ها انشعاب بدهید. وقتی خریدند انشعاب را واگذار کنید. انشعاب را که نمی‌خواهیم با خودمان ببریم. اداره گاز می‌گوید از شهرداری نامه بیاورید، شهرداری می‌گوید باید حفاری کنیم. اگر ساکنان همین چادرها، پول داشتند و به مأموران شهرداری می‌دادند سریع مجوز ساخت می‌گرفتند! اما ندارند. برای همین اسیر شده‌اند وسط این ککه زمین»

قدیمی‌ترها که چند آجر روی هم گذاشته و مثلاً وضع بهتری دارند می‌گویند با جان و دل اینجا را نگه داشته‌اند. می‌گویند «همه معتادها را می‌گیرند و می‌آورند اینجا و بعد هم فیلم می‌گیرند که بگویند اینجا شبیه جایی ناامن است. اما ما انسانیم، حیوان که نیستیم.

برخی‌ها از ترس به فروش زمین‌هایشان تن می‌دهند اما ما از این بیدها نیستیم که با آن پادها پل‌زیم. من کشاورز بوده‌ام. خانم دانشگاه کشاورزی خوانده. زندگی ما را ببینید، آبرو داریم.»

کمی آن طرف‌تر از او، نگار ایستاده است. صورت زمخت بیخ زده‌اش را با موهای خرمایی مجعدش پوشانده، اما از لای چین‌های پیشانی‌اش می‌توانید رد زنی ۶۰-۵۰ ساله را ببینید. نگار اما ۴۰ ساله است. می‌گوید مأموران شهرداری چند هفته پیش آمدند خاک ریختند، لودر انداختند، اثاثیه ما را زیرو کردند... می‌گوید: «هر کس یک حرف می‌زند. می‌گویند بلند شوید خانه می‌دهیم. از دره فرخ‌زاد حلی جلی آبادها تا توانسته یونولیت و

آجر چیده و سمت دیگرش فقط پتو است! نه تلویزیون، نه یخچال نه کمد و نه حتی وسیله‌ای که یادتان بیندازد اینجا‌خانه یک خانوار ۶-۵ نفره است! مرد گلابه‌هایش کم نیست. همسایه کمی آن طرف‌تر دو دختر دانشجو دارد. یکبار، دو بار، سه بار هم که صدا می‌زند خبری از هیچ کدام‌شان نمی‌شود... مرد می‌گوید: «خجالت می‌کشند. هر روزشان همین است. ما را نبین به این تکیه راضی شده‌ایم، جوان‌ترهایمان زجر می‌کشند. چه کسی حاضر می‌شود دست چند پشت دلا‌ها یا بگیرد بیایود اینجا؟»

شهرداری می‌گوید مسکن معوض می‌دهیم، اما مرد می‌گوید: «از این خبرها نیست. زمین خودمان را نمی‌بخشند، هر از گاهی چند نفر ارادل و اوباش می‌آیند هرچه قیمت می‌ریزند اینجا که نشان دهند منطقه ناامن است، حتی دست معتادها را می‌گیرند و می‌آورند اینجا و بعد هم فیلم می‌گیرند که بگویند اینجا شبیه جایی ناامن است. اما ما انسانیم، حیوان که نیستیم.

مرد مرابه سمت چادر بزرگی می‌برد که هر گوشه‌اش یک بچه نشسته است. سقف پلاستیکی بالای مثل‌خانه‌اش باز است تا دود فرش جمع می‌شود. و با دست دیگرش حلی آبادها تا توانسته یونولیت و

با تشریح آخرین وضعیت واکسیناسیون فرهنگیان و دانش آموزان؛

جزئیات جدید آموزش حضوری در مدارس اعلام شد



حمیدی / ایران

ستاد ملی کرونا درخصوص لزوم حضوری شدن آموزش‌های مدارس، مدیریت این مهم از طریق شورای مدارس با همکاری انجمن اولیا و مربیان و مناطق پرجمعیت بویژه شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران و کم جمعیت و مدارس با تراکم اول ۹۲درصد و در دریافت دوز دوم واکسیناسیون کرونا ۸۶ درصد است. وی افزود: سیاست وزارت بهداشت تزریق دوز سوم واکسیناسیون است که این موضوع باید برای فرهنگیان در دستور کار قرار گیرد. در حال حاضر حضوری شدن مدارس و توسعه آموزش‌های حضوری به تسویه و رسیدن باید میزبان دانش آموزان و فرهنگیان باشیم.

ستاری فرد درخصوص آخرین وضعیت بازگشایی مدارس و جزئیات آن ادامه داد: با توجه به مصوبه اخیر

■ **سه‌شنبه ۵ بهمن ۱۴۰۰**
 ■ **سال بیست‌وهشتم**
 ■ **شماره ۷۸۳۳**

بازگشت رنگ نارنجی به نقشه کرونایی کشور

تشدید نگرانی‌ها از احتمال غالب شدن آمیکرون در کشور **گروه اجتماعی/**نگرانی‌ها از گردش بالای آمیکرون و غالب شدن سویه جدید در مقایسه با دلتا کرونا در کشور در حالی قوت گرفته است که طبق تحلیل آمارهای روزانه وزارت بهداشت افزایش ۴ و ۵ برابری به ترتیب در تعداد بیماران سرپایی و موارد بستری در مراکز درمانی جریان دارد به گونه‌ای که طبق اعلام کمیته اپیدمیولوژی و پژوهش کمیته علمی کشوری مقابله با کووید۱۹ از نیمه دی ماه، روزانه ۱۰ تا ۱۲ درصد نسبت به روز قبل موارد جدید شناسایی بیماران افزایش داشته است.

این یعنی شمار بیماران جدید ابتلا به سویه آمیکرون در کشور به شکل تصاعدی بالا می‌رود. محاسبات بیانگر این نکته است که به‌عنوان مثال اگر همان ۱۰ درصد را هم به‌عنوان حداقل محاسبه کنیم، اگر قرار باشد روزی ۱۰ درصد تعداد بیماران مبتلاً اضافه شود، بعد از ۱۰ روز تعداد بیماران جدید ۲۰۰ برابر می‌شود؛ به عبارتی اگر تعداد موارد شناسایی قطعی بیماران روزانه ۵۰۰۰ باشد و هر روز هم ۱۰ درصد به تعداد بیماران روز گذشته اضافه شود، بعد از ۱۰ روز تعداد بیماران ۲۰۶ برابر می‌شود که حاصلضرب آن در ۵۰۰۰ عددی معادل ۱۳ هزار بیمار روزانه است.

روز گذشته نیز رنگ نارنجی کرونایی پس از حدود ۴۰ روز به نقشه رنگ‌بندی کرونایی کشور اضافه شد. آخرین بار ۲۶ آذر بود که تعداد شهرستان‌های نارنجی و قرمز در کشور به صفر رسید. هرچند که روند تزریق کامل واکسیناسیون کرونا در افراد بالای ۱۲ سال و مشمول جمعیت به عدد بیش از ۸۰ درصد رسیده اما همچنان متخصصان حوزه سلامت برای تزریق دوز سوم کرونا تأکید می‌کنند.

روز گذشته شهرستان اردکان از استان یزد از رنگ زرد به نارنجی تغییر رنگ داد، همچنین با افزایش موارد بستری، ۳۱ شهرستان از وضعیت آبی خارج شدند و در وضعیت زرد قرار گرفتند. هم‌اکنون طبق آخرین تغییرات در نقشه رنگ‌بندی شهرستان‌های کشور ۲۰۲ شهرستان در وضعیت آبی و ۲۴ شهرستان در وضعیت زرد و یک شهرستان در وضعیت نارنجی هستند. این در حالی است که همچنان طبق اعلام تصمیم ستاد ملی کرونا، هیچ تغییری در معیارهای رنگ‌بندی اپلیکیشن ماسک انجام نشده و رنگ‌بندی کماکان صرفاً بر اساس روند بستری انجام می‌شود. هم‌زمان با اعلام تغییر رنگ‌بندی نقشه کرونایی کشور دبیر کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا هشدار داد: با توجه به روند افزایش‌تعداد موارد مثبت مبتلا به آمیکرون در سراسر کشور به نظر می‌رسد که نزدیک به یک آمیکرون باشیم.

دکتر حمیدرضا جماعتی در جلسه روز گذشته کمیته علمی که به منظور پیشگیری از موج سنگین کرونا برگزار شد گفت: یکی از توصیه‌ها این است که استفاده از ماسک در تمامی معامع، سازمان‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها و تمامی محل‌های تجمع مسقف، الزامی و از ماسک‌های استاندارد استفاده شود؛ چراکه ماسک‌های پارچه‌ای، کارایی چندانی ندارند و ماسک‌های استاندارد و سه لایه برای افراد عادی، مورد تأیید است.

عبدالملکی خیرداد:

حمایت دولت از «مادران» بر حسب تعداد «فرزند»

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با تأکید بر اهتمام دولت سیزدهم به منظور حمایت از مادران، گفت: در دولت سیزدهم اتفاق نظر وجود دارد که بیشترین حمایت از مادران به نسبت تعداد فرزندانی که دارند انجام شود و در این دولت قطعاً اهمیتی که به مادران داده خواهد شد به نسبت تعداد فرزندانی که دارند و به دنیا می‌آورند، بیشتر از گذشته خواهد بود. به گزارش ایسنا، حجت‌الله عبدالملکی در مراسمی که به منظور بزرگداشت روز زن برگزار شد، با تبریک میلاد حضرت فاطمه(س)، اظهار کرد: تأکید ما در این روزتخانه به انتصاب خواهران انقلابی توانمند متخصص است و تاکنون تعدادی از این بانوان منصوب و در آینده نیز انتصاب تعداد بیشتری از زنان در رده مدیریتی خواهیم داشت. وی افزود: با وجود اینکه اسلام و قرآن و پیامبر بزرگ ما بیش از ۱۵۰۰ سال قبل به صحبت‌های زن و مادر تأکید داشته‌اند، اما بشر در دوره مقدس را آن‌گونه که خداوند متعال مدنظر داشته، حفظ نکرده است. بعد از انقلاب اسلامی اینکه امام خمینی(ره) تأکید می‌کنند روز میلاد حضرت زهرا(س) به‌عنوان روز مادر شناخته شود به نوعی توجه دادن جامعه بشری به شان این موجود است.

مصوبات کمیته اضطرار آلودگی هوای تهران اعلام شد

تکلیف شهرداری برای تدوین دستورالعمل فروش طرح ترافیک



ستاد صفوری، ایران

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری تهران از تکلیف شهرداری تهران برای تدوین دستورالعمل و مدلی برای فروش طرح ترافیک در شرایط اضطرار آلودگی هوا در دوازدهمین جلسه کمیته اضطرار آلودگی هوا خبر داد. به گزارش ایسنا، عابد ملکی دربارہ مصوبات دوازدهمین جلسه کمیته اضطرار آلودگی هوای تهران گفت: در این جلسه مقرر شد پایگاه‌های سیار فوریت‌های پزشکی اعم از اورژانس و هلال احمر در مناطق پرتردد شهر تهران مستقر شوند. همچنین پلیس راهور تهران بزرگ نسبت به جلوگیری از تردد کلیه موتورسیکلت‌ها، خودروهای دودزا و فاقد معاینه فنی و وسایل نقلیه دودزای دارای معاینه فنی اقدام لازم را به عمل آورد. وی افزود: با همکاری فرمانداری تهران و اتحادیه کامیون‌داران شهر تهران، پلیس راهور از تردد شبانه کامیون‌ها به استثنای کامیون‌های حمل سوخت، مواد غذایی و مواد فاسد شدنی نیز جلوگیری خواهد کرد. همچنین مقرر شد شهرداران استان تهران نسبت به جلوگیری از فعالیت‌های عمرانی تشدیدکننده آلودگی هوا اقدام

پیدا خواهد کرد. معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری تهران در بخش دیگری از فعالیت‌های خود با تأکید بر اینکه شهرداران تهران و اداره کل راهداری حمل‌ونقل جاده‌ای استان تهران نسبت به جلوگیری از روشن ماندن اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها در پایانه‌های مسافربری درون ویرون شهری اقدام خواهد کرد. افزود: ممنوعیت استفاده از نفت کوره در کلیه واحدهای نیروگاهی، صنعتی، تولیدی و معدنی و خدماتی استان کماکان ادامه خواهد داشت و مقرر شد از هر گونه فعالیت ورزشی در محیط‌های باز خودداری شود.